

عربی ۲

درس ۱

کارگاه ترجمه:

ترجمه متن اصلاح شده:

در روزی از روزها بلبل به شاهین گفت: من از حال خویش و حال تو تعجب می کنم. تو نزد مردم گرمی و محبوب هستی اشراف تو را بر دست هایشان حمل می کنند با این که سخن نمی گویی اما من زندانی و تحقیر شده هستم با این که سخن می گویم و آواز می خوانم. شاهین به بلبل گفت: این امر واضحی است. این مردم مرا گرمی می دارند زیرا من برای آنها شکار می کنم و حرف نمی زنم اما تو آواز می خوانی و کاری انجام نمی دهی.

تمرین اول:

- | | |
|-------------------------|---------------------------|
| ۱- هذا ← معرفه به اشاره | ۲- الذین ← معرفه به موصول |
| القرآن ← معرفه به ال | ۳- بشاشه ← معرفه به اضافه |
| للتی ← معرفه به موصول | الوجه ← معرفه به ال |
| هی ← معرفه به ضمیر | سقاء ← معرفه به اضافه |
| ۴- العاقل ← معرفه به ال | الكف ← معرفه به ال |
| من ← معرفه به موصول | |
| الباطل ← معرفه به ال | |

تمرین دوم:

پاسخ گزینه ۳ است.

تمرین سوم:

تُنْزِلُ: فعل مضارع، متکلم مع الغیر، ثلاثی مزید باب تفعیل، متعدی، معرب / فعل و فاعل آن

ضمیر نحن مستتر

من: حرف، عامل جر، مبنی بر سکون

القرآن: اسم مفرد مذکر، جامد، معرفه به ال، معرب / مجرور به حرف جر

ما: اسم، موصول عام، معرفه، مبنی بر سکون

هو: ضمیر منفصل مرفوعی، للغائب، معرفه، مبنی بر فتحه

شفاء: اسم، مفرد، مذکر، جامد، نکره، معرب / خبر مرفوع

و: حرف عطف، غیر عامل، مبنی بر فتحه

رحمة: اسمة، مفرد مؤنث، جامد، نکره، معرب /

ل: حرف، عامل جر، مبنی بر کسره

المؤمنين: اسم، جمع مذکر سالم، معرفه، معرب، مشتق / مجرور به حرف جر

تمرین چهارم:

ظلمات ≠ اضواء

القول = الکلام

يَسْرَ ≠ عَسَرَ

جَنَّبَ = قَرَّبَ

السبيل = الطريق

أخرج ≠ أدخل

درس ۲

کارگاه ترجمه:

ترجمه متن اصلاح شده:

پیامبر بزرگوار ما (ص) همراه بعضی از صحابه اش در مجلسی نشسته است. مردی با چهره ای گندمگون و دستانی زبر و خشن بر آن ها وارد شد. حاضران از ظاهر او متوجه شدند که او کشاورز است. زمانی که یکی از حاضران برادر مسلمان خود را با این قیافه دید خندید و قصد مسخره کردن برادرش را نمود. اما پیامبر (ص) او را دید نزد خود برای او جا باز کرد و او را نزد خود نشان داد و به او خوش آمد گفت. حاضران از این کار تعجب کردند و تعجب آن ها افزون شد هنگامی که پیامبر (ص) دست کشاورز را با دست بزرگوار خویش گرفت و گفت: همانا این دستی است که خدا و پیامبرش آن را دوست دارند.

تمرین اول:

- ۱- المؤمنون ← فاعل و مرفوع با اعراب فرعی واو
اعراب فرعی واو
خاشعون ← خبر و مرفوع با
- ۲- التوابین ← مفعول و منصوب با اعراب فرعی یاء (جمع مذكر سالم)
- ۳- منهومان ← مبتدا و مرفوع با اعراب فرعی الف (مثنی)
- ۴- یومان ← خبر و مرفوع به اعراب فرعی الف (مثنی)

تمرین دوم:

- | | |
|--------------|--------------|
| ۱- المحسنين | ۲- المجاهدون |
| ۳- المهندسين | ۴- الفلاحان |
| ۵- الطفليين | ۶- غزالتين |

درس ۳

کارگاه ترجمه:

ترجمه درست و اصلاح شده متن:

سکاکی شخص بی سوادى بود. موقعى كه مقام بلند عالمان را در محافل متعددى دید تصميم گرفت به مدارسى در خوارزم برود. در آغاز كار پيشرفتى در درسش مشاهده نكرد لذا ناراحت شد و درس و مدرسه را رها كرد. روزى دوباره منظره عجيبى را مشاهده كرد.

بنگر! قطرات آب چگونه سوراخى در صخره ايجاد مى كند آيا تو سخت تر از آن صخره هستى؟

پس به خانه اش آمد و براى بار دوم درس خواندن را شروع كرد و پس از مدتى از دانشمندان شهر خود شد.

تمرین اول:

- ۱- سیئات ← جمع مؤنث سالم، مفعول به و منصوب با كسره
- ۲- بمصایيح ← مجرور به حرف جر با اعراب فرعى فتحه
- ۳- اَغْلَمْ ← غير منصوب، مجرور به حرف جر با اعراب فرعى فتحه
- الشاكِرین ← مجرور به حرف جر با اعراب فرعى ياء (جمع مذكر سالم)
- ۴- یوسف ← (غير منصرف) مجرور به حرف جر با اعراب فرعى فتحه
- السائلین ← مجرور به حرف جر با اعراب فرعى ياء

تمرین دوم:

- ۱- المسلمون ← المسلمین
- مكَّة ← مكَّة
- ۲- الحسنات ← الحسنات
- السيئات ← السيئات

تمرین سوم:

- لا: حرف نهی، عامل جزم، مبنی بر سکون / -
- تبتلوا: فعل مضارع، جمع مذكر مخاطب، ثلاثی مزید از باب افعال، معرب، متعدی / -
- فعل مضارع مجزوم با حرف لا و فاعل آن ضمیر بارز واو، جمله فعلیه

صدقات: اسم، جمع مؤنث سالم، جامد، معرب، معرفه به اضافه، منصرف / مفعولٌ به و منصوب با
اعراب فرعی کسره

کُمْ: ضمیر متصل جری، جمع مذكر مخاطب، معرفه، ضمیر، مبنی بر سکون / مضافٌ الیه و محلاً
مجرور

ب: حرف جر، عامل جر، مبنی بر کسره / -

ال: حرف تعدیف، غیرعامل، مبنی بر سکون / -

مَنْ: اسم، مفرد مذكر، جامد، معرب، معرفه به ال، منصرف / مجرور به حرف جر

تمرین چهارم:

۱- للوالدینِ حقٌّ عظیمٌ علینا

۲- علی الله یتوکل المؤمنون

۳- و ارسلنا الی فرعونَ رسولاً

۴- وجدنا المؤمنات صابراتٍ عند الشدائد

تمرین پنجم:

۱- جناح ۲- السراج

۳- صیدله ۴- الدستور

۵- الوجیزه ۶- الضوء

۷- السحاب ۸- تلك

درس ۴

تمرین اول:

- ۱- الهدی: مجرور به حرف جر تقدیراً
- ۲- الدنيا: مبتدا و تقدیراً مرفوع
- ۳- الراضی: مفعول و منصوب با اعراب اصلی فتحه

تمرین دوم:

- ۱- هو ← مبتدا و محلاً مرفوع سبب بناء ← ضمیر
- ۲- هذا ← مفعولٌ به و محلاً منصوب سبب بناء ← اسم اشاره
- ۳- من ← خبر و محلاً مرفوع سبب بناء ← اسم موصول

تمرین سوم:

- ۱- هم ← هما ← چون مرجع آن یعنی بابان مثنی است.
- ۲- الساعی ← الساعی ← چون اسم منقوص است و نقش آن مبتدا است و نباید حرکت بگیرد
یعنی اعراب آن تقدیری است.
- ۳- الماشی ← الماشی ← چون اسم منقوص است و نقش آن مبندا است و نباید حرکت بگیرد
یعنی اعراب آن تقدیری است.

تمرین چهارم:

- السلام: اسم، مذکر، جامد، معرب - مبتدا و مرفوع
- علی: حرف، عامل جر، مبنی بر سکون
- من: اسم موصول عام، معرفه - مجرور به حرف جر محلاً
- اتبع: فعل ماض، للغائب، مزید ثلاثی از باب افتعال - فعل و فاعل آن هو مستتر
- الهدی: اسم، معرفه به ال، معرب، مقصور - مفعول و تقدیراً منصوب

تمرین پنجم:

از وصیت های امام خمینی (ره):

از جوانانمان می خواهیم به استقلال و آزادی و ارزش های انسانی دست یابند و آن چه را که غرب از زر و زیورهای دنیوی و بی بند و باری و فساد به آنان عرضه می کند نپذیرند. زیرا غرب جزء تباهی و نابودی و غفلت شما از آینده سرزمینتان چیز دیگری برای شما نمی خواهد و جز غارت ثروت هایتان و کشاندن شما به وابستگی و اسارت چیز دیگری نمی خواهد.

۱- طلب الامام من الشباب التمسک با الاستقلال والحرية و القيم الانسانية

۲- الغرب يُريدُ ضياعنا و غفلتنا عن مستقبل بلدنا و نهبَ ثرواتنا

درس ۵

کارگاه ترجمه:

ترجمه متن اصلاح شده:

گرگ و الاغ

یک گرگ گرسنه در مزرعه دو الاغ فربه‌ی را دید که علف می‌خورند. گرگ به سمت یکی از آن‌ها روی آورد. وقتی الاغ بیچاره او را دید تظاهر به لنگی کرد. گرگ علت را از او پرسید الاغ گفت: در پایم خاری بزرگ فرو رفته و احساس درد شدید می‌کنم. گرگ برای خار پای الاغ را گرفت. الاغ با پایش او را زد و گرگ بر روی زمین افتاد و الاغ فرار کرد. گرگ با خود گفت: این ماجرای من است من یک حیوان وحشی درنده هستم نه یک پزشک معالج.

تمرین اول:

- | | |
|---|----------------------------------|
| ۱- رجالٌ ← موصوف نکره | صدقوا ← جمله وصفیه و محلاً مرفوع |
| ۲- صديقٌ ← موصوف | مخلصٌ ← صفت مفرد و مرفوع |
| يُبعدك عن الضلال ← جمله وصفیه و محلاً مرفوع | |
| ۳- النور ← موصوف | المبين ← صفت مفرد و مرفوع |
| الصراط ← موصوف | المستقيم ← صفت مفرد و مرفوع |

تمرین دوم:

- | | |
|---|---------------------------------|
| ۱- بينَ ← مضاف | أخوى ← مضاف الیه و مجرور با یاء |
| اخوى ← مضاف | کم ← مضاف الیه و محلاً مجرور |
| ۲- سَيِّدا: مضاف (حرف نون مثنی حذف شده است) | |
| شباب: مضاف الیه و مجرور | |
| شباب: مضاف | |
| اهل: مضاف الیه و مجرور | اهل: مضاف |
| الحبة: مضاف الیه و مجرور | |

٣- جولة: مضاف

الباطل: مضاف اليه و مجرور

جولة: مضاف

الحق: مضاف اليه و مجرور

قيام: مضاف

الساعة: مضاف اليه و مجرور

تمرين سوم:

١- النافعة

٢- معلمو

٣- معلمات

درس ۶

کارگاره ترجمه:

ترجمه صحیح متن:

اعتماد به نفس

هنگامی که گنجشک از آشیانه اش خارج شد تا برای فرزندانش روزی طلب کند به آن ها گفت: عزیزانم مراقب حرکات صلب مزرعه باشید تا موقعی که برمی گردم درباره آن به من خبر دهید. موقعی که مادر برگشت بچه ها گفتند صاحب مزرعه همسایگانش را برای جمع کردن محصولات فرا می خواند. پس بدون شک آن ها آشیانه ما را ویران خواهند کرد. مادر گفت: مضطرب نباشید. در روز بعد بچه ها به او خبر دادند که صاحب مزرعه از خویشان خود برای جمع کردن محصولات کمک خواسته است. مادر گفت: خطری ما را تهدید نمی کند. بعد از چند روز بچه ها به او گفتند: فردا صبح مزرعه خود درو کردن را شروع خواهد کرد. پس مادر گفت: اکنون بر ماست که کوچ کنیم. انسان موقعی که بر دیگری تکیه می کند عمل مهمی را انجام نخواهد داد و اما موقعی که بر خور تکیه می کند باید از او بترسیم.

تمرین اول:

- ۱- یحکم ← فعل مضارع منصوب با اعراب اصلی فتحه
- ۲- تحبون ← فعل مضارع مرفوع با اعراب فرعی ثبوت نون
- یغفر ← فعل مضارع منصوب با اعراب اصلی فتحه
- ۳- تنالوا ← فعل مضارع منصوب با اعراب فرعی حذف نون
- تنفقوا ← فعل مضارع منصوب با اعراب فرعی حذف نون
- تحبون ← فعل مضارع مرفوع با اعراب فرعی ثبوت نون

تمرین دوم:

- ۱- یرزقُ
- ۲- یرزق
- ۳- نسبح
- ۴- یسبحون

تمرین سوم:

عین الصحیح: درست - درست - نادرست - نادرست

(ب) لِتَحْصُلَ: مضارع منصوب با اعراب اصلی فتحه

حتی یرسلوا: مضارع منصوب با اعراب فرعی حذف نون

تأمرؤن: مضارع مرفوع با اعراب فرعی ثبوت نون

تحدث: مضارع مرفوع با ضمه

(ج) يُعَلِّمُونَ: - أَنْ تَخْرُجَ - تَتَوَكَّلُونَ - كِيْ أَسَاعَةً

تمرین چهارم:

نہض ≠ جلس	الاسرۃ = العائلۃ	ارسل = بعث
بلی = نعم	تناول = اکل	رجع = عاء
الसारۃ = المفروحۃ	تکلم = تَحَدَّث	جميع = کُلّ

خودآزمایی:

۱- عشر

۲- تسع

۳- أَحَدَ عشر

۴- اثنا عشر

خودآزمایی:

۱- سه

۲- شش

۳- پنج

درس ۲

کارگاه ترجمه:

- الف) اعراب گفتند: ایمان آوردیم. بگو ایمان نیاوردید بلکه بگویید اسلام آوردیم.
- ب) هر نیک و خیری را پیشاپیش برای خود بفرستید آن را نزد خدا می یابید.
- ج) هرکس جویای بزرگی و علو مقام باشد شب ها بیداری می کشد.
- د) پس باید صاحب این خانه را عبادت کنند.
- ه) خدا را، خدا را، در مورد قرآن مبدا دیگری در عمل به آن بر شما پیشی گیرد.

تمرین اول:

مضارع منصوب: لم تؤمنوا - للمخاطبین - فرعی (حذف نون)

لَنْ تُبْلَغَ - للمخاطب - اصلی (فتحه)

حتى تَغْلُقَ - للمخاطب - اصلی (فتحه)

مضارع مجزوم: لم تؤمنوا - للمخاطبین - فرعی (حذف نون)

لم تقنطوا - للمخاطبین - فرعی (حذف نون)

إِنْ تَقْرُضُوا - للمخاطبین - فرعی (حذف نون)

يضاعف - للغائب - سکون - اصلی

لا تحسب - للمخاطب - سکون - اصلی

تمرین دوم:

۱- يهلكَ

۲- ننجحَ

تمرین سوم:

۱- تنجحنَ

۲- آن تنجحوا

۳- تنجحونَ

۴- لم ينجحْ

۵- لن ينجحَ

تمرین چهارم:

إنْ = حرف شرط، عامل جزم مبنی بر سکون

تنصروا = فعل مضارع، للمخاطبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معرب / فعل مضارع مجزوم به حرف نون

و فاعل آن واو و جمله فعلیه و شرطیه

الله = اسم، مفرد، معرفه (علم)، معرب / مفعولٌ به و منصوب

ینصر = فعل مضارع، ثلاثی مجرد، معرب / فعل - جواب شرط و مجزوم و فاعل آن ضمیر هو مستتر

و جمله فعلیه

کم = اسم، ضمیر متصل نصبی یا جری، للمخاطبین، معرفه، مبنی بر سکون / مفعولٌ به و محلاً

منصوب

تمرین پنجم:

الغازی = الغزاة

الحجر = الحجار

الطیر = الطیور

الارض = الاراضی

الشجر = الشجار

الطاغی = الطغاة

درس ۱

کارگاه ترجمه:

متن صحیح شده ترجمه:

مسجدی در شهر ساخته شد. بهلول از علت بنای مسجد سوال کرد. سازنده اش گفت: این بنا ساخته نشد مگر برای کسب ثواب. بهلول خواست مقدار اخلاص سازنده را بیازماید. بنابراین دستور داد روی دیوار مسجد نوشته شود این مکان مقدس به امر مؤمن نیکوکار، بهلول ایجاد شده است. روز بعد وقتی این خبر منتشر شد مردم آمدند تا به بهلول تبریک بگویند. سازنده این خبر را شنید و به شدت عصبانی شد و نزد بهلول آمد و گفت: ای حيله گر، مالم تلف شده است و ... مردم درباره تو صحبت می کنند... این ممکن نیست... نه ... روز بعد مردم دیدند که اسم بهلول از دیوار مسجد حذف شده است و نام دیگری به جای آن نوشته شده است. موقعی که بهلول این خبر را شنید لبخند زد و گفت: اعمال فقط به نیت هاست.

تمرین اول:

فعل معلوم

فعل: اِستَمَعُوا - اَنْصَتُوا - اتَّبَعُوا - قَالَ

فاعل: ضمیر بارز واو - ضمیر بارز واو - ضمیر بارز واو - اسم ظاهر رسول

فعل مجهول

فعل: قُرِی - تُرْحَمُونَ - لَمْ نُبْعَثْ - بُعِثْنَا

نایب فاعل و نوع آن: القرآن (اسم ظاهر) - ضمیر بارز واو - نحن (ضمیر مستتر) - ضمیر بارز (یاء)

تمرین دوم:

۱- کُتِبَ الصَّیَّامُ عَلَى الْمُسْلِمِیْنَ

۲- بَعَثَ اللَّهُ النَّبِیَّ لِإِتْمَامِ مَكَارِمِ الْإِخْلَاقِ

۳- یُعْرِفُ الْأَصْدِقَاءُ الْأَوْفِیَاءَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ

تمرین سوم:

الناس = الف) نادرست

ب) درست

يتركوا = الف) نادرست

ب) درست

هم = الف) درست

ب) نادرست

ينفتون = الف) نادرست

ب) درست

تمرین چهارم:

الف) الأب

ب) صنم

ج) شاب

د) عقل

ه) يد

و) رجل

درس ۹

کارگاه ترجمه:

ترجمه اصلاح شده متن:

راز انتخاب

از مدت ها قبل شرکتي نیاز خود را به کارمندی شایسته اعلام می کرد و با وجود مراجعه تعداد زیادی از افراد مدیر هیچ کدام از آن ها را نپذیرفته بود. موضوع برای شرکت دشوار و پیچیده شد. ناگهان مدیر جوانی را انتخاب کرد که تجربه های او اندک بود و مدرک و گواهی و سفارش از دیگران نداشت. هنگامی که از مدیر درباره راز انتخاب عجیبش سوال شد گفت: لایق آن کسی نیست که مدارک فراوان و سفارش های مختلف داشته باشد. این جوان هنگامی که آمد منتظر اجازه ورود شد. لباس هایش ساده ولی تمیز بود. بر همه سلام کرد. از خود تعریف نمی کرد و از مقام دیگران نمی کاست.

او را متوکل به خدا و متکی بر توانایی هایش یافتیم، آیا به راز انتخاب پی بردید؟

تمرین اول:

۱- کان ← فعل ناقصه الله ← اسم کان و مرفوع محیطاً ← خبر کان
و منصوب

۲- کانوا ← فعل ناقصه و اسم آن ضمیر بارز واو و محلاً مرفوع

یتقون ← جمله فعلیه، خبر کان و محلاً منصوب

۳- تکنونوا ← فعل ناقصه و ضمیر بارز واو، اسم آن و محلاً مرفوع

شهداء ← خبر کان و منصوب

تمرین دوم:

۱- ماداموا ← چون المسلمون جمع مذکر است

۲- جمله دوم غلط است

۳- قدوة ← چون خبر أصبَح است و باید منصوب باشد

۴- كانَ ← چون فعل در ابتدای جمله باید مفرد باشد

۵- جمله پنجم غلط ندارد

تمرین سوم:

۱- قائد ثورتنا قدوةً للمظلومين

۲- الصدقُ أنفعُ تجارةٍ

۳- الامةُ الاسلامیةُ متحدةٌ

تمرین چهارم:

نحو = الی	الحیاء ≠ الموت	هلك = مات
الكذب = الكذب	المصباح = السراج	الدَّووب ≠ الكسلان
العفاء ≠ الرفاه	حاكى = قَلَدَ	

درس ۱۰

کارگاه ترجمه:

ترجمه متن اصلاح شده:

همانا در تمامی مراکز علمی اروپا مشهور است که اسحاق نیوتون جاذبه را کشف کرده است. ولی واقعیت این است که دانشمندان مسلمان این قانون را قرن ها قبل از وی کشف کرده بودند و گویا قانون جاذبه در نزد این دانشمندان شناخته شده بود زیرا ما می خوانیم که تعداد زیادی از آنان همچون بیرونی و ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی موضوع جاذبه را در درس ها و تألیفات خود تحت عنوان نیروی طبیعی آورده اند. ای کاش مسلمانان از خواب غفلت بیدار شوند و از نو چراغ هدایت را به دستشان بگیرند تا شاید مجد و عظمت و بزرگواری خود را به دست آورند. اگر خداوند متعال بخواهد.

تمرین اول:

- | | |
|--|--------------------------------|
| ۱- اِنَّ ← حروف مشبّهه بالفعل | الله ← اسم اِنَّ و منصوب |
| یأمر ← خبر اِنَّ و محلاً مرفوع (جمله فعلیه) | |
| ۲- لَعَلَّ ← حروف مشبّهه بالفعل | هم ← اسم لَعَلَّ و محلاً منصوب |
| یتذكرون ← خبر لَعَلَّ و محلاً مرفوع (جمله فعلیه) | |
| ۳- اَنَّ ← حروف مشبّهه بالفعل | الله ← اسم اَنَّ و منصوب |
| قدیر ← خبر اَنَّ و مرفوع | |
| ۴- لیت ← حروف مشبّهه بالفعل | السرور ← اسم لیت و منصوب |
| دائم ← خبر لیت و مرفوع | |
| ۵- کَانَ ← حروف مشبّهه بالفعل | ک ← اسم کَانَ و محلاً منصوب |
| متردد ← خبر کَانَ و مرفوع | لکن ← حروف مشبّهه بالفعل |
| ی ← اسم لکن و محلاً منصوب | عازم ← خبر لکن و مرفوع |

تمرین دوم:

خبر لیت ← تَسْتَقِرُّ

اسم إنّ ← المساجد - نا

مبتدا ← الطمع

فعل مبنی المجهول ← لا تُدْرِكُ

مفعولٌ به ← الانسانَ

تمرین سوم:

۱- سیف ۲- جمال ۳- أصعبُ

تمرین چهارم:

۱- الف ۲- ج

تمرین پنجم:

ختام: اسم، مفرد، مذکر، جامد، معرب، معرفه به اضافه / مبتدا و مرفوع و جمله اسمیه

ه: ضمیر متصل جری، للغائب، مبنی، معرفه / مضافٌ الیه و محلاً مجرور

مسلك: اسم، مفرد مذکر، جامد، نکره، معرب، منصرف / خبر مفرد و مرفوع

و: حرف عطف، غیر عامل مبنی بر فتحه / -

فی: حرف جر، عامل جر، مبنی بر سکون / -

ذلک: اسم اشاره، بعید، مفرد، مذکر، معرفه، مبنی بر فتحه / مجرور به حرف جر محلاً

ف: حرف عطف، غیر عامل، مبنی بر فتحه / -

ل: حرف جزم، عامل جزم، مبنی بر کسره (به علت آمدن حرف ف بر سر آن ساکن شده است)

یتنافس: فعل مضارع، للغائب، ثلاثی مزید از باب تفاعل، لازم، مبنی، معرب / فعل مجزوم به حرف

ل و فاعل آن المتنافسون و جمله فعلیه

ال: حرف تعریف، غیر عامل، مبنی بر سکون / -

متنافسون: اسم، جمع مذکر سالم (اسم فاعل)، معرب، معرفه به ال، منصرف / فاعل و مرفوع با واو